

بررسی پیامدهای سیاسی کودتای ۱۳۵۲ در افغانستان

موسی لعلی

پوهنمل، تاریخ، تعلیم و تربیه، موسسه تحصیلات عالی غور، فیروزکوه افغانستان (نویسنده مسئول).

m.lali@ghru.edu.af

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۱ - تاریخ نشر: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

خلاصه

محمد داوود خان در اثر یک کودتای نظامی و با کمک نظامیان حزب پرچم در سال ۱۳۵۲ ش، قدرت سیاسی را به دست گرفت. حضور نظامیان پرچمی در این کودتا باعث گسترش نفوذ عناصر چپ در حکومت تازه تأسیس او شد. تأسیس یک حکومت چپ‌گرا با نارضایتی عناصر سنتی، سلطنت‌طلب‌ها و اسلام‌گراها روبرو شد. محمد داوود خان پس از تثبیت قدرت با توسعه روابط با کشورهای منطقه، در عرصه سیاست خارجی به‌جانب بلوک غرب گرایش یافته و با نادیده انگاشتن قدرت نیروهای چپ که در این زمان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای رشد یافته بودند، به سرکوب و حذف آنان از صحنه سیاسی افغانستان پرداخت. داوود خان با انگیزه و هدف دوران صدارت وارد میدان شد. او هم‌چنان به توسعه اقتصادی افغانستان می‌اندیشید و در این زمینه، برنامه‌های بنیادی داشت اما آن‌گونه که در دوره صدارت خود موفق شد، در این دوره، توفیقی به دست نیاورد. در نهایت، نتوانست در داخل کشور خود به یک توازن معقول در میان گروه‌های سیاسی دست یابد، حزب دموکراتیک خلق با استفاده از نفوذ گسترده در ارتش این کشور در ۷ ثور ۱۳۵۷ ش، با کودتا بر علیه محمد داوود خان، افغانستان را وارد یک عصر پر از فراز و نشیب نمود. مقاله حاضر با اتکا به تحلیل با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ... در پی بررسی پیامدهای سیاسی کودتای سفید در افغانستان می‌باشد.

کلمات کلیدی: پی آمد، سیاسی، کودتا و افغانستان

استناد: لعلی، موسی (۱۴۰۳). بررسی پیامدهای سیاسی کودتای ۱۳۵۲ ش در افغانستان. مجله علمی- تحقیقی

مؤسسه تحصیلات غور، سال اول، شماره ۱، صفحه ۱۲۷-۱۴۵.

Analysis of the Political Consequences of the 1973 Coup in Afghanistan

Mosa Lali

Asst. Professor, History, Education, Ghor Institute of Higher Education, Firoz Koh, Afghanistan, (Corresponding Author) musalali2020@gmail.com

Received: 23/5/2024 | Accepted: 11/9/2024 | Published: 28/6/2025

Abstract

Mohammad Daoud Khan gained political power in 1973 as a result of a military coup with the support of Parcham forces. The presence of Parcham forces in this coup spread the influence of left-wing elements in his newly established government. The establishment of a left-wing government faced the dissatisfaction of traditional elements, monarchists, and Islamists. After consolidating his power through developing relations with the countries of the region, Mohammad Daoud Khan turned to the Western Bloc in the field of foreign policy. Ignoring the power of the left-wing forces, which had grown significantly at this time, he intended to suppress and remove them from the Afghan political scene. Driven by his ambition and desire to attain the premiership, Mohammad Daoud Khan entered the political arena. He was also thinking about the economic progress of Afghanistan and had fundamental plans in his mind. However, unlike his previous success during his premiership, he did not achieve success in this period. Finally, he could not achieve a reasonable balance among political groups within his own country. The People's Democratic Party of Afghanistan (PDPA), using its extensive influence in the country's army, staged a coup against Mohammad Daoud Khan on April 27, 1978, bringing Afghanistan into an era full of ups and downs. This study aims to analyze the political consequences of the White Coup in Afghanistan, drawing on library sources and other reference materials for analysis.

Keywords: Afghanistan, consequences, coup, political

article: Lali, M (2025). Analysis of the Political Consequences of the 1973 Coup in Afghanistan. *Scientific-Research Journal of Ghor Institute of Higher Education*, 1 (1), 127-145.

مقدمه

دوره‌ی قانون اساسی با شعار تطبیق دموکراسی آغاز شد؛ اما دو هدف دیگر را به صورت مخفی نیز پیش می‌برد یکی کاهش نفوذ شوروی و دیگری منزوی ساختن محمد داوود خان بود؛ اما هم روس‌ها و هم داوود خان متوجه طرح‌های حکومت بودند. روس‌ها از اول درک کرده بودند که یکی از اهداف واضح این اصلاحات جلوگیری از افزایش نفوذ شوروی در افغانستان است؛ لذا کوشیدند تا هر نوع تلاش در راه تطبیق این اصلاحات را خنثی و مضمحل سازند. شوروی‌ها در این وقت علنی شروع به تأسیس حزب سیاسی طرفدار خود و تربیت اعضای آن و نفوذ زیرزمینی در بخش‌های مختلف حکومت به خصوص ارتش افغانستان کردند. مرکز عمده این فعالیت‌ها نیروی هوایی بود؛ زیرا در نیروی هوایی نیروهای تحصیل کرده‌ی شوروی حضور بیش‌تری داشتند؛ اما دولت بیمار و بی‌کفایت ظاهر شاه هرگز این تغییر و تحولات نامرئی را درک نمی‌توانستند. داوود نیز که بعد از استعفایش همواره به فکر بازگشت مقتدرانه به حکومت بود و از بی‌کفایتی‌های حکومت و خانه‌نشینی به ستوه آمده بود، به صورت ناخودآگاه و بر اساس طرح مخفی شوروی، با احزاب طرفدار شوروی برای براندازی نظام شاهی متحد شد. شوروی دو حزب خلق و پرچم را متحد کرد و به عنوان پشتوانه داوود خان که از نام و نشان بالایی در جامعه برخوردار بود قرارداد. میان داوود و رهبران حزب دموکراتیک خلق فقط براندازی نظام بیمار ظاهر شاهی وجه مشترک بود نه هیچ چیز دیگری. برای این براندازی رهبران خلق و پرچم هرچند قدرت نظامی داشتند؛ اما چهره‌های موجه و شناخته شده نبودند؛ ولی داوود خان که از حیثیت و اعتبار بالایی برخوردار بود، توان نظامی لازم را نداشت؛ لذا این دونیرو در یک اتحاد شکننده در کنار هم قرار گرفتند. در سال ۱۳۵۲ ش ظاهر شاه برای معالجه چشم به طرف ایتالیا رفت و فرزندش احمدشاه را به عنوان جانشین خود در کابل اعلام کرد. عصر روز ۲۵ سرطان ۱۳۵۲ ش ضیافتی در سفارت عراق در کابل به مناسبت روز ملی آن کشور ترتیب داده شد که در آن مقامات بلندپایه کشوری و لشکری مانند سردار عبدالولی و استر ژنرال خان محمدخان وزیر دفاع شرکت داشتند. بعد از ختم ضیافت، عده به شمول وزیر دفاع در شام همان روز در منزل سفیر آمریکا برای معرفی اتشه‌ی نظامی آمریکا جمع شدند. زمانی که آن‌ها مشغول خوردن و نوشیدن انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها بودند، داوود خان مقدمات کودتا را فراهم می‌کرد. سرانجام فرمان کودتا برای تصرف ارگ شاهی، رادیو، میدان هوایی، شهر کابل، دستگیری شهزاده احمدخان، محمد موسی شفیق، خان محمدخان وزیر دفاع، مارشال شاه ولی خان و فرزندش سردار ولی خان داماد پادشاه در ساعت یک و نیم شب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش صادر شد. این کودتا که به دلیل کشتار بسیار اندک به کودتای نرم

تشبیه شده است تا ساعت هفت صبح ادامه یافت و در ساعت هفت بیست دقیقه محمد داوود خان همراه با رهبران کودتا مانند حسن شرق، ضیا مجید، حیدر رسولی، محمد رفیع، محمد اسلم وطن جار، عبدالحمید محتاط و عبدالقادر پیلوت وارد استیدیوی رادیو شد و پیام خود را مبنی بر پایان نظام شاهی و آغاز دور جدید از تاریخ کشور خواند. او در این بیانیه خطاب به مردم از نظام جمهوری، آزادی‌های سیاسی، توسعه اقتصادی و سیاسی و اصلاحات ارضی، بهبود شرایط کار، تفاهم ملی و حضور نسل جوان و تحصیل کرده در کابینه سخن گفت. بدین ترتیب به نظام کهنه‌ی شاهی نقطه پایان داده شد و فصل تازه از نظام سیاسی در شکل جمهوریت آغاز گردید. ظاهر شاه با شنیدن خبر کودتا، حکومت داوود خان را به رسمیت شناخت و برای او آرزوی موفقیت کرد. پس از آن ملکه حمیرا و اعضای خانواده شاهی به وسیله طیاره‌ی آریانا به رم انتقال داده شدند.

پیشینه‌ی تحقیق

۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش در تاریخ معاصر افغانستان از سه نقطه نظر قابل توجه است. نخست از لحاظ این که در این روز رژیم شاهی در افغانستان خاتمه می‌یابد، دوم از نظر این که همین تاریخ سرآغاز نظام نوی به نام جمهوریت که از آن زمان تا امروز به شکل و معنی و مفهوم واقعی آن تحقق نیافته است، به شمار می‌رود و سوم از جهت این که با رویداد مذکور دیکتاتور نامدار بار دیگر در صحنه‌ی سیاسی افغانستان به حیث نفر اول ظاهر می‌شود (غزنوی، ۱۳۸۹: ۲۵).

هرچند زمینه‌ای کودتای ۱۳۵۲ ش در افغانستان زمان فراهم گردید که زد و بندهای داخل دربار و کم‌توجه بودن به موازنه‌ی سیاسی جهان، محمد داوود را به استعفا مجبور کرد و از این تاریخ نامبرده در حمایت از ارتش و همکاری دوستان خویش به طرح کودتا متوسل گردید (پنجشیری، ۱۳۹۵: ۷۸-۸۰). محمد داوود از جمله اشخاصی بود که در زندگی هرگز به مقام درجه دوم راضی نمی‌شدند و ترجیح می‌داد که شخص اول در قریه باشد تا شخص دوم در کشور (فرهنگ، ۱۳۶۸: ۱-۶۶). به تاریخ ۱۳۵۲/۴/۲۶ ش محمد داوود طی کودتای چندساعته قدرت را به دست گرفت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴) و این کودتا به عنوان اولین کودتای نظامی در تاریخ معاصر افغانستان ثبت گردید (حکیمی، ۱۳۹۱: ۹۸-۱۰۶). داوود خان پس از به قدرت رسیدن به عنوان رئیس جمهور افغانستان کارهای مهم ذیل را انجام دادند: تغییر نظام از شاهی به جمهوری، اتحاد دوباره با اتحاد جماهیر شوروی، اصلاحات اقتصادی و فرهنگی، تصویب قانون اساسی جمهوریت (سعادت، ۱۳۹۶: ۲۸۷-۲۹۴). تبدیل رژیم پادشاهی در افغانستان به یک رژیم جمهوری امر

تصادفی و غیرمترقبه نبوده است (کمال، ۱۳۷۷: ۲۴۹-۳۹۹). نتایج این کودتا از لحاظ سیاسی و امنیتی و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور فاجعه‌بار بوده‌اند (خالدی، ۲۰۱۸: ۲-۱). به‌طوری کلی، محمد داوود خان در طول حکومت ۵ ساله‌اش ثبات دائمی در روابط خارجی‌اش با جهان شرق و غرب نداشتند (جاناتان‌ال. لی، ۲۰۱۸: ۵۸۱-۵۹۷). بریدن از چپ، لغزش به راست، زمینه را برای به قدرت رساندن حزب دموکراتیک خلق در افغانستان و درنهایت پایان خونین حکومت محمد داوود خان را فراهم نمود (طنین، ۱۳۸۴: ۱۶۷-۲۱۱). یکی از پیامدهای عمده این کودتا، تخریب دهه دموکراسی بودند (عباسی، ۲۰۱۹: ۷-۱). کودتایی سفید در افغانستان یکی از عوامل عمده‌ی به وقوع پیوستن کودتای سرخ در این سرزمین بودند (کاظم، ۱۳۹۸: ۱۰۷۳). محمد داوود خان در سال ۱۲۷۸ ش در شهر کابل متولد گردیده و در سال ۱۳۵۷ ش همراه با ۱۷ تن از اعضای فامیلش توسط طیاره‌های جیت حزب خلق افغانستان به شهادت رسید (عابد، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۱۳). بازی اخیر دو پسرعمو (محمد ظاهر شاه و سردار محمد داوود خان) باعث آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی امروزی افغانستان است (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۹). این دگرگونی سرآغاز تحولات گردید که تا سه دهه بعد تأثیرات ناگواری بر جامعه افغانستان از خود، باقی گذاشت (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۷-۲۱۰).

تفاوت این پژوهش در مقایسه با منابع فوق:

۱. در هیچ‌یکی از منابع، پژوهش تحت عنوان پیامدهای سیاسی کودتای ۱۳۵۲ ش در افغانستان بررسی نشده است.
۲. منابع فوق به شکل پراکنده و عمومی در ارتباط به پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کودتای ۱۳۵۲ ش در افغانستان بحث کرده‌اند؛ اما در این پژوهش تلاش صورت گرفته است تا پیامدهای سیاسی کودتای سفید در افغانستان را به‌صورت منسجم و غیر جانب‌دارانه موردبررسی قرار دهد.
۳. قرار جستجو، در این ارتباط تا هنوز از سوی پژوهشگران افغانستان با اتکا بر رویکرد نویسندگان خارجی تحقیق صورت نگرفته است.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش با توجه به ماهیت مسئله‌ی تحقیق آن کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی بوده که در آن از تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است. مطالعه موردی روشی است که از آن برای بررسی نظام‌مند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، جنبش‌ها و یا رویدادها استفاده می‌شود و محقق نیازمند فهم و تبیین یک پدیده است (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۲۰۰). همچنین در روش پژوهش کیفی از اطلاعات و داده‌های پژوهش‌های تاریخی، توصیفی و تجربی استفاده می‌شود. پژوهش‌گران کیفیت گرا سعی دارند به درک اوضاع و احوال فرآیندهای پیچیده سیاسی- اجتماعی نایل آیند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۸). این پژوهش با رویکرد تاریخی و اتکا به تحلیل با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ... در پی گردآوری داده‌های مورد نظر می‌باشد.

پیامدهای سیاسی کودتا ۱۳۵۲ ش

۱- ائتلاف ناهمگون داوود

دولت جمهوری داوود عجیب و غریب به نظر می‌رسید؛ زیرا متشکل از ائتلافی ایدئولوژی‌های ناسازگار بودند، یعنی سلطنت‌طلبی و کمونیسم بود. حزب مارکسیست-لنینیست دموکراتیک خلق افغانستان ذاتاً با سلطنت‌طلبی مخالف بود و عقب‌ماندگی افغانستان را ناشی از نظام فئودالی این کشور که سلسله محمد زایی نقطه اوج آن بود، می‌دانست. فاصله ایدئولوژیک درون این ائتلاف به واسطه اختلاف سنی بیشتر هم می‌شد. داوود و حامیان‌ش همگی در دوران ۵۰ یا ۶۰ سالگی خودشان بودند و نگاه‌شان به حکومت، دولت و هویت ملی در افغانیه طرزی و همان پشتون- آریایی‌گرایی ریشه داشت که در پشتون آکادمی و توسط حکومت مصاحبان از دهه ۱۹۳۰ م ترویج می‌شد. از سوی دیگر حزب دموکراتیک خلق نماینده نسل جوان‌تر و تحصیل کرده‌ای بود که اعضای آن را عمدتاً جمعیت‌های به حاشیه رانده شده‌ی غلزایی‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها، ازبک‌ها و بلوچستانی‌ها تشکیل می‌دادند. کسانی که همگی حکومت محمد زایی و در برخی موارد پشتون‌ها را مسئول از دست رفتن حقوق خود می‌دانستند. در رابطه با علاقه‌ی وافر داوود به پشتون‌گرایی هم باید گفت که بیشتر اعضای حزب دموکراتیک خلق، پرچمی‌ها و خلقی‌ها، جز به عنوان راهی برای آزار پاکستان و تضعیف ائتلاف آن‌ها با ایالات متحده، علاقه چندانی به این

موضوع نداشتند (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۱). البته مقامات شوروی سابق هرگونه دخالتی را در کودتا رد می‌کند (طنین، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

پس از پایان کودتا، نواقص دولت داوود خود را نشان دادند. رئیس‌جمهور و حزب دموکراتیک خلق سه هفته مذاکرات سخت و پیچیده را پشت سر گذاشتند تا بتوانند در خصوص کابینه باهم به توافق برسند و در این مدت عملاً دولتی بر سر کار نبود. در پایان، بیش از نیمی از وزرای جدید از اعضای حزب دموکراتیک خلق بودند یا ارتباطات مستحکمی با جنبش‌های چپ داشتند. البته غیبت رؤسای حزب خلق در کابینه برای پنهان کردن میزان نفوذ کمونیسم بر دولت جدید، جلب‌توجه می‌کرد. در عوض این افراد در کمیته مرکزی عضویت داشتند، کمیته‌ای که عضویت در آن هرگز عمومی نمی‌شد، اما بزرگ کارمل، آناهیتا راتب‌زاد و میر اکبر خیبر، رهبران سرشناس پرچم، همگی اعضای برجسته آن بودند. هنگامی که سفیر نویمان از رئیس‌جمهور داوود درخواست کرد در خصوص نقش این کمیته توضیحاتی بدهد، داوود اعلام کرد که این نهاد نه تکرار است و نه دولت بلکه گروهی از دوستان است که نقش یک کمیته کنترل را ایفا می‌کنند. کسی از دیپلمات‌های غربی این حرف او را باور نکرد و همه می‌دانستند که کمیته مرکزی نهاد تصمیم گیر واقعی کشور است.

در پی وقوع کودتا تعدادی از اعضای شاخص حزب دموکراتیک خلق به مناصب میانی دولتی گماشته شدند و افسران خلقی ارتش و نیروی هوایی که از کودتا پشتیبانی کرده بودند ترفیع درجه گرفتند. جهت فراهم شدن پست‌هایی برای این انتصابات جدید بسیاری از کارکنان دولت و افسران نظامی شغل خود را ازدست‌داده یا اجباراً بازنشسته شدند. از آنجاکه بیشتر مقاماتی که اخراج شدند جایگاه خود را مدیون حمایت‌شان از حکومت مصاحبان بودند، اخراج آن‌ها قدرت داوود را تضعیف کرد. سپس خلقی‌ها و پرچمی‌ها از جایگاه‌های جدید برای ترویج عقاید کمونیستی در مدارس، دانشگاه‌ها، مکاتب و رسانه‌ها نهایت بهره را بردند. البته، افراد تازه منصوب‌شده تجربه لازم برای اداره امور را نداشتند و اوضاع ادارات دولتی حتی آشفته‌تر از همیشه شده بود (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۴). از میان حدود سی عضو هر دوکابینه هشت نفرشان یا وابسته به جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق بودند و یا به نحوی ارتباط و تمایل و وابستگی به آن حزب و اتحاد شوروی داشتند (غزنوی، ۱۳۹۸: ۵۴).

۲- رئیس‌جمهور داوود و روابط ایالات متحده- افغانستان

روابط و مناسبات رژیم جدید جمهوری سردار محمد داوود در ابتدای کار، با ایالات متحده‌ی آمریکا بسیار سرد عادی و غیردوستانه بود (پنجشیری، ۱۳۹۵: ۷۹)؛ زیرا رژیم کودتایی سردار، همان سیاست خارجی کهنه‌ی گذشته‌ی زمان صدارت وی را که بر پایه‌ی دوستی با اتحاد شوروی و بلوک شرق و دوری و اختلاف و خصومت با کشورهای همسایه و اسلامی و جهان غرب بنا یافته بود، تعقیب می‌کرد (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۴۶). با آنکه دولت تحت سلطه‌ی پرچمی‌ها بود، داوود و نعیم تلاش می‌کردند دولت‌های غربی را قانع کنند که افغانستان هنوز غیر متعهد است و امیدوار بودند کشورهای غربی و ایالات متحده رژیم جدید را به رسمیت بشناسند و به لحاظ مالی کمکش کنند؛ اما در هر دو مورد سرخورده شدند. اتحاد جماهیر شوروی و هندوستان تقریباً بلافاصله دولت جدید را به رسمیت شناختند، اما ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو این کار را تا زمانی که مطمئن نشدند داوود، به قول نویمان، در خانه‌ی خودش ارباب است به تأخیر انداختند. در پایان آمریکا و کشورهای ناتو دولت جمهوری خواه را به رسمیت شناختند، اما روابط با داوود و وزیرایش در ظاهر دوستانه در باطن پرتنش بود.

یکی دیگر از چالش‌های روابط افغانستان-آمریکا احیای پشتون‌گرایی توسط رئیس‌جمهور داوود بود. ترویج پشتون‌گرایی توسط داوود در دوران صدراعظمش افغانستان را تا آستانه‌ی جنگ و فاجعه‌ی اقتصادی پیش برده بود، باین‌حال به نظر می‌رسید از این تجربه هیچ درسی نگرفته است. اندکی پس از به قدرت رسیدن او، رسانه‌های تحت کنترل دولت یک مبارزه تبلیغاتی ستیزه‌جویانه علیه پاکستان و در دفاع از پشتونستان آغاز کردند. پاکستان با اعمال دوباره محدودیت بر رفت‌وآمد مرزی تلافی کرد و دستور ساخت یک پایگاه نظامی در کویته را صادر کرد. وقتی سفیر نویمان سعی کرد این جنگ لفظی را تعدیل و رئیس‌جمهور داوود را راضی کند با پاکستان وارد مذاکره شود، داوود اصرار داشت به‌عنوان یک پیش‌شرط پاکستان باید با مذاکره در خصوص خودمختاری پشتونستان موافقت کند، کاری که پاکستان پیوسته با آن مخالفت کرده بود. ظرف چند هفته پس از کودتای داوود، روابط افغانستان-پاکستان بار دیگر پرتنش شد (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۴-۵۸۵). رژیم داوود از ناسیونالستان مخالف پاکستان حمایت می‌نمود و آن‌ها را برای کسب استقلال و تشکیل حکومت خودمختار قومی بنام پشتونستان و بلوچستان تشویق و تحریک می‌کرد، در

مقابل آن پاکستان جوانان مسلمان را حمایت نموده و از احساسات آنان علیه حکومت داوود کار می‌گرفت (حکیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۳ م رادیو کابل دو اعلامیه‌ی را به نشر سپرد یکی در مورد اینکه دولت پاکستان را به مداخله و تحریکات در افغانستان متهم می‌ساخت (کمال، ۱۳۷۷: ۳۹۲).

در پایان اکتبر ۱۹۷۳ م، نیومن در آخرین دیدار با داوود چیزی که خودش آن را آب سردی می‌نامید بر سر رئیس‌جمهور ریخت و به او خبر داد واشنگتن اتحاد او با حزب دموکراتیک خلق را نمی‌پسندد و هشدار داد که کمونیست‌ها برای استقلال و حق حاکمیت افغانستان تهدید هستند. وی مخالفت آمریکا با سیاست پشتونستان داوود را اعلام کرد و با صراحت گفت افغانستان دارد خطر جنگ با پاکستان را به جان می‌خورد. البته، داوود هشدارهای نیومن را نادیده گرفت و به جنگ لفظی ادامه داد (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۴).

۳- پاک‌سازی‌های رئیس‌جمهور داوود و آشوب اسلام‌گراها

حدود یک ماه پس از دیدار نیومن، داوود اولین سری از پاک‌سازی‌هایش را آغاز کرد. اولین هدفش رقبای حکومتی، یعنی اعضای دولت‌های سابق و حامیان پارلمان لیبرال، بودند که آن‌ها را متهم به دسیسه و کودتا بر علیه نظام می‌کردند (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۵). ایالات متحده و پاکستان را حامیان کودتاچیان قلمداد می‌کردند (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۴۷) و نعیم در پاسخ به سفرای این دو کشور مدعی شد که مدارک مستندی برای این اتهام دارند، اما چنین مدارکی هرگز ارائه نشدند. نتیجه آن شد که روابط افغانستان با ایالات متحده و پاکستان بیش‌ازپیش خراب شد (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۵). داوود از این کودتا برای توجیه تصفیه منتقدین اسلام‌گرای دولتش استفاده کرد. در ۵ دسامبر ۱۹۷۳ م رادیو کابل اعترافی که گفته می‌شد خان محمدخان نوشته است را خواند در آن مدعی شده بود توطئه‌گران در نظر داشتند از رهبری دینی، واحدهای نظامی - مسئولین سابق و ریش‌سفیدان استفاده کرده با کمونیست خواندن دولت به آن حمله کنند و در ادامه فهرستی از اسلام‌گراهای شاخص را به دسیسه‌چینی متهم کردند. اندکی پس از این اعلام مولانا حبیب الرحمن، رئیس سازمان جوانان مسلمان، مولانا فیضانی، پرفیسور نیازی و محمد سرور ناشر، فرماندار سابق قطغن و رئیس شرکت پنبه‌ی اسپین زر، با ده‌ها تن از مقامات رده‌بالای نظامی و دولتی دستگیر شدند. البته، دیگر اسلام‌گراهای سرشناس، از جمله صبغت الله مجددی، عبدالرب سیاف، گلبدین

حکمتیار، برهان‌الدین ربانی و احمدشاه مسعود، از این پاک‌سازی‌ها جان سالم به دربرده و به پیشاور گریختن (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۶). از آنجای که ذوالفقار علی بوتو درگیر جنگ سرد با محمد داوود خان بود، مقدم آن‌ها را گرامی داشته و استقبال نمود. این اسلام‌گراها در پیشاور اپوزیسیون علیه داوود را تشکیل دادند (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۰۱). پس از تهاجم شوروی در دسامبر ۱۹۷۹ م، همین افراد اپوزیسیون در پاکستان مهم‌ترین رهبران مقاومت شدند. حضور این پناهندگان سیاسی ابزار تبلیغاتی قابل‌توجهی در اختیار ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر پاکستان قرارداد که از آن برای بی‌اعتبار کردن موضوع پشتون‌های مرزی داوود و اعتبار مذهبی دولت افغانستان به بهترین نحو استفاده کرد. بوتو در اقدامی برای تضعیف دولت جمهوری‌خواه داوود پناهنده‌های اسلام‌گرای پیشاور را تحریک کرد شورش کنند و پول و سلاح در اختیار آن‌ها قرارداد؛ اما این شورش‌ها توسط حکومت سرکوب گردیده و چندان نتیجه ملموس در قبال نداشتند (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۶-۵۸۷).

۴- بحران بدهی و درخواست کمک رئیس‌جمهور داوود از کشورهای غربی و عربی

محمد داوود خان به انکشاف اقتصادی کشور علاقه‌مندی بخصوص داشت. او اساساً مردی شهرت‌طلب بود و می‌دانست که در دنیای امروز هر زمامداری که بخواهد نامش را در تاریخ با خط درشت ثبت کند باید محافظه‌کاری را کنار گذاشته، دگرگونی‌های چشم‌گیری اقتصادی را در احوال کشور وارد سازد (فرهنگ، ۱۳۶۸: ۵۸). او از روزهای اول حکومت خود در جهت اعمال برخی اصلاحات اقتصادی و توسعه کشور تلاش نمود (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۸) و در مدت زمامداری‌اش سفرهای رسمی و دوستانه به بعضی کشورهای جهان نمودند تا در مورد جلب همکاری آنان در رشد پلان‌های انکشافی و مرفوع ساختن بحران بدهی دولت افغانستان سعی به عمل آورد (کمال، ۱۳۷۷: ۳۹۳). در نوامبر ۱۹۷۴ م وزیر خارجه ایالات متحده، هنری کیسینجر، سفری به کابل داشت و نعیم در جریان دیدار کوتاهی با او بار دیگر اعلام کرد دولت مطبوعش خواهان روابط نزدیک‌تری با ایالات متحده است، اما کیسینجر به او یادآوری کرد تا زمانی که دولت همچنان از ایده پشتونستان حمایت کند روابط ایالات متحده و افغانستان بهبود نخواهد یافت. داوود هنگام حضور در مراسم خاک‌سپاری ملک فیصل پادشاه عربستان با اجرای مراسم حج

اعتقادات مذهبی خود را به نمایش گذاشت (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۷). وی در سفری دیگر به کشور عراق به زیارت اماکن مقدس شیعیان در نجف رفت (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۴۳).

تلاش‌های دیر هنگام داوود برای جلب حمایت آمریکا، جهان غرب و کشورهای عربی طرفدار آمریکا در تقابل با حزب دموکراتیک خلق، صرفاً متأثر از دوراندیشی سیاسی نبود، بلکه بحران حل‌نشده‌ی اقتصادی و مالی هم در انجام این کار نقش داشتند. در این زمان افغانستان با مبلغی در حدود ۱/۵ میلیارد دلار به اتحاد جماهیر شوروی بدهکار بود و ایالات متحده هم مبلغ چشمگیری از این کشور طلب داشت؛ اما با وجود آنکه به‌ندرت توان بازپرداخت بدهی‌های بین‌المللی را داشت دولت بازهم یک طرح جاه‌طلبانه‌ی هفت‌ساله را تصویب کرد که برآورد می‌شد مبلغی در حدود ۳ میلیارد دلار هزینه در برداشته باشد.

در اپریل ۱۹۷۵ م داوود به تهران سفر کرد و در سخنرانی روز جمهوری خود طرح ۷ ساله‌اش را اعلام عمومی کرد. چند روز بعد کابل تایمز اعلام کرد شاه ایران موافقت کرده است یک خط اعتباری ۷۱۰ میلیون دلاری برای افغانستان در نظر بگیرد که بیشتر آن به ساخت یک خط راه‌آهن بین کابل و ایران و اجرای یک پروژه‌ی آبیاری بر روی آب‌های مورد مناقشه‌ی هلمند تخصیص داده خواهد شد.

این تنها امتیازی نبود که رئیس‌جمهور داوود به دست آورد. سفرها به کشورهای عربی و اروپایی داوود و نعیم را با این حقیقت تلخ روبرو کرد که هیچ کشوری از موضع آن‌ها در قبال پشتونستان پشتیبانی نمی‌کند. برعکس، وزرای افغان بارها و بارها روی مذاکره با پاکستان تأکید می‌کردند تا افغانستان، ایران و پاکستان بتوانند یک جبهه‌ی واحد در مقابل اتحاد جماهیر شوروی تشکیل دهند. در پایان نیاز داوود به پول هنگفت برای پرداخت بدهی‌های کشور و دولت و تأمین هزینه‌ی طرح هفت‌ساله‌اش بر پیگیری پشتونستان ارجحیت داشت.

در پایان سال ۱۹۷۵ م رسانه‌های تحت کنترل دولت شروع به تعدیل موضع خود در این رابطه کردند. از این تاریخ به بعد هلال‌احمر پاکستان کمک‌های بشردوستانه‌ی چشمگیری در اختیار قربانیانی قرارداد که از سیل و زلزله آسیب‌دیده بودند. این حوادث بیش از ۱۰۰ هزار نفر را بی‌خانمان کرده بود. پس از این اقدام دولت افغانستان رسماً از پاکستان به خاطر کمک به برادران مسلمان‌ش تشکر کرد. بوتو نیز برای ادای احترام به درگذشته‌گان به رسانه‌ها دستور داد تبلیغات

ضد افغانستان را متوقف کنند. داوود از این فرصت آب شدن یخ روابط استفاده کرد و از بوتو برای سفری رسمی به افغانستان دعوت کرد. هنگامی که این دو نفر در جون ۱۹۷۶ م باهم دیدار کردند به توافقی دست پیدا کردند که برخی از بی‌اعتمادی‌هایی که از ۱۹۴۷ م بین دو کشور وجود داشت را برطرف کرد. در بیانیه عمومی‌ای که در پایان نشست دوجانبه منتشر شد، هر دو طرف اعلام کردند که پذیرفته‌اند از تبلیغات خصمانه علیه همدیگر پرهیز کنند (لی، ۲۰۱۸: ۵۸۸).

۵- رویاروی مسکو و واکنش حزب دموکراتیک خلق

رویدادهای سیاسی در آن مقطع زمان به‌طور محسوس بیانگر یک بازی مغلق و نهایت خطیر بود که بین هردو جانب افغانستان و شوروی جریان داشت. آنچه ظاهراً در دو سال اول جمهوری گذشت، نشانه‌ای از خواسته‌های واقعی هردو طرف نبود. جای شک نیست که محمد داوود به همکاری گماشتگان افغانی شوروی نخست کودتا را موفقانه و به‌سرعت غیرقابل‌باور بدون تلفات به سر رسانید و اما به‌تدریج درصدد تقلیل نقش آن‌ها برآمد و حتی در نظر داشت آن‌ها را از صحنه کاملاً بیرون کند و قدرت را به دست وفاداران خود گیرد. درحالی که شوروی به این فکر بود که محمد داوود را به حیث یک شخصیت مؤثر فقط برای یک دوره انتقالی تا آماده شدن شرایط برای گماشتگان خود برسر اقتدار نگه‌داری و این دوره به نظر آن‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که محمد داوود برای تطبیق اهداف شوروی در افغانستان و منطقه مفید واقع شود. واضحاً که این دو خواست متضاد روزی در یک نقطه تصادم خواهد کرد و یک انفجار خونین را بار خواهد آورد (کاظم، ۱۳۹۸: ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴). علائم این تصادم خونین در اواخر حکومت داوود خان قابل احساس؛ وقتی داوود در اپریل ۱۹۷۷ م دیداری رسمی از مسکو داشت، رهبری شوروی مصمم بود مطمئن شود رئیس‌جمهور افغانستان جایگاه خود را می‌شناسد و به‌خوبی برایش روشن سازد که اتحاد جماهیر شوروی عمیقاً از سیاست‌های دولتش ناراضی است. داوود نیز به همان اندازه مصمم بود بی‌طرفی و استقلال افغانستان را مورد تأکید قرار دهد. رئیس‌جمهور داوود در سخنرانی خود در ضیافتی که به‌افتخار او برگزار شد با تندی بی‌طرف فعال و مثبت افغانستان را مورد تأکید قرارداد و اظهار داشت که اهداف اصلی و بنیادین سیاست ما، بیش از هر چیز دیگری، حفظ استقلال، حق حاکمیت و اتحاد ملی و عدم دخالت در امور داخلی دیگران است. وقتی دو طرف در نشستی خصوصی باهم دیدار کردند، داوود حزب دموکراتیک خلق را به خرابکاری متهم کرد

و به دبیر کل لئونید برژنف گفت «رفقاییش را نصیحت کند... که از نظام جدید در افغانستان تبعیت کنند.» برژنف با شکایت در مورد تعداد فزاینده متخصص غربی که وارد افغانستان می شدند واکنش نشان داد و اشاره کرد که «در گذشته... دولت افغان دست کم به کارشناسان کشورهای عضو ناتو اجازه نمی داد در مناطق شمالی کشور مستقر شوند.» برژنف ادامه داد شوروی از این اوضاع ناراحت است و از داوود خواست این خارجی ها را اخراج کند زیرا آن ها چیزی بیش از جاسوسانی در خدمت امپریالیسم نیستند. داوود سخت خشمگین شده بود و گفت: ما هرگز به شما اجازه نخواهیم داد به ما دیکته کنید چگونه کشورمان را اداره کنیم و چه کسانی را در افغانستان به خدمت بگیریم. این که ما چگونه و کجا کارشناسان خارجی را استخدام کنیم منحصراً حق دولت افغان خواهد ماند. سپس داوود برخاست و از جلسه بیرون رفت و باوجود اصرارهای مقامات افغان و شوروی نپذیرفت دوباره با برژنف دیدار کند (لی، ۲۰۱۸: ۵۹۲). این مسائل منجر به پشتیبانی بیشتر شوروی از حزب دموکراتیک خلق گردید (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

تشدید خفقان سیاسی بین افغانستان-شوروی باعث شد تا جناح های خلق و پرچم، حوزه فعالیت های حزبی شان را تغییر دهند و از فعالیت های علنی به فعالیت های سری روی آورده و بر گسترش شاخه ی نظامی حزب بیشتر تأکید ورزیدند (لطفی، ۲۰۱۴: ۷۴). لذا، به مقامات شوروی در کابل دستور داده شد که گروه های در حال جنگ پرچم و خلق را باهم آشتی دهند. مسکو سپس یک نمایش قدرت به راه انداخت، پلیس مرزی مدت کوتاهی جزیره مورد مناقشه اوتا تاگای در آمودریا را اشغال کردند و هواپیماهای ترابری نظامی شوروی بدون هماهنگی با کابل بر فراز افغانستان به پرواز درآمدند. رئیس جمهور داوود هم در مقابل به وزیرانش دستور داد هیچ پیشنهاد کمکی از شوروی را نپذیرند و موضوع کاهش پرسنل سفارت شوروی را مطرح کرد. در ماه نوامبر داوود بار دیگر کابینه خود را ترمیم کرد و یک شورای مرکزی متشکل از محمد زایی های مورد اعتماد تشکیل داد.

چند روز بعد وقتی علی احمد خرم وزیر برنامه ریزی ترور شد رویارویی با حزب دموکراتیک خلق رنگ خون گرفت. قاتل او، محمد مرجان، توانسته بود وارد دفتر وزیر شود، سپس به روی او اسلحه کشیده خواسته بود او را نزد رئیس جمهور داوود ببرد، اما وقتی وارد خیابان می شوند مرجان خرم را به قتل می رساند. رئیس جمهور داوود از فرصت خاک سپاری خرم استفاده کرد و

درملاءام مسکو را به دخالت در امور داخلی افغانستان متهم و چنین وانمود کرد که سازمان اطلاعات شوروی (KGB) پشت قضیه ترور بوده است. البته، مرجان در بازجویی ادعا کرد که به نام انقلاب اسلامی دست به این کار زده است، اما احتمالاً حق با پرچمی‌ها بود که مرجان را به خلقی بودن متهم می‌کردند. جالب توجه این که مرجان اعدام نشد و پس از کودتای تره کی مورد عفو قرار گرفت. او سرانجام سر از مسکو درآورد و روزهای آخر عمرش را بانامی جعلی و درحالی که شخصی دیوانه توصیفش کرده‌اند در آنجا سپری کرد (لی، ۲۰۱۸: ۵۹۲).

با بالا گرفتن تنش‌ها بین مسکو و کابل و رئیس‌جمهور داوود و حزب دموکراتیک خلق و بحرانی شدن اوضاع، داوود آخرین تلاش خود را برای جلب حمایت ایالات متحده و هم‌پیمانانش در جهان عرب به کار گرفت (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

۶- ترور میر اکبر خیبر و مرگ رئیس‌جمهور داوود

میر اکبر خیبر نخستین کسی و یا از نخستین کسانی در افغانستان است که به مکتب الحادی کمونیسم گرویده و علاوه بر شمولیت در اداره‌ی ضبط احوالات (استخبارات) دولت وقت، عضویت سازمان جهنمی (KGB) را نیز حاصل کرده بود (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۹۴). هنگام تحصیل در دانشکده نظامی (فاکولته حربی) به جرم توطئه علیه دولت دستگیر و زندانی شد (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۳). چندی بعد در زندان ولایت کابل، ببرک با او هم‌اتاق شده ایدئولوژی کمونیست را از او فراگرفت (فرهنگ، ۱۳۶۸: ۵۳). پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۶ ش با کارمل همکاری سیاسی نمود و به حلقه او پیوست. در تضاد حزبی بین تره کی و ببرک، میر اکبر خیبر جانب ببرک را گرفت و در گروه پرچم علاوه بر اینکه یکی از رهبران آن بود، وظیفه تبلیغ حزب را در اردو و ارتباط با صاحب‌منصبان را بر عهده داشت؛ وظیفه‌ای که در جناح خلق بر عهده حفیظ الله امین بود (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۰۳).

در ۱۷ اپریل ۱۹۷۸ م میر اکبر خیبر، رئیس گروه پرچم، بیرون خانه‌اش به ضرب گلوله یک ناشناس کشته شد (لی، ۲۰۱۸: ۵۹۳). اعضای جناح‌های خلق و پرچم حکومت تحت رهبری داوود را مسئول این قتل دانست (عابد، ۱۳۹۴: ۱۱۲)؛ اما به نقل از لی، شایعات در کابل حاکی از آن بود که داوود یا اعضای ضد کمونیست دولتش پشت این ترور بودند اما پرچمی‌ها مدعی بودند که حفیظ الله امین و نور محمد تره‌کی از گروه خلق دستور این ترور را صادر کرده‌اند،

درحالی که حکمتیار در پیشاور می گفت اعمال او این کار را انجام داده اند. هرکس پشت این قضیه بود، حزب دموکراتیک خلق از قتل خشونت بار خیبر به عنوان فرصتی برای ابراز عمومی نفرت خود از آزمون جمهوری داوود استفاده کرد. با حرکت جنازه خیبر از خانه اش در مجتمع ساخت شوروی به سمت مسجد پل خشتی، ۱۵ هزار نفر در خیابان ها صف کشیدند و حلقه های گل لاله، نماد شهادت، در مسیر عبورش انداخته شعارهای ضد ایرانی و ضد آمریکایی سر دادند (لی، ۲۰۱۸: ۵۹۳). ولی رژیم محمد داوود خان ظاهراً و به قولی واقعاً در پیدا کردن و معرفی نمودن عامل این ترور ناتوان مانده بود (غزنوی، ۱۳۹۸: ۳۹۸).

داوود که تا آن زمان نارضایتی از دولت خود و عمق حمایت مردم از حزب دموکراتیک خلق را نادیده گرفته بود، با دیدن بزرگی جمعیت به وحشت افتاد. وی از ترس این که مبدا این اعتراضات مقدمه کودتایی باشد دستور داد همه سران حزب دموکراتیک خلق را دستگیر کنند. نور محمد تره کی، ببرک کارمل و بسیاری دیگر دستگیر شدند، اما حفیظ الله امین با خوش شانسی از دستگیری جان به دربرد. امین به این باور بود که داوود احتمالاً همه سران حزب دموکراتیک خلق را اعدام خواهد کرد، پیامی اضطراری به طرفداران خلقی خود در پایگاه نظامی ریشخور و پایگاه هوایی بگرام فرستاد و از آن ها خواست بی درنگ برای براندازی داوود اقدام کنند. در روز ۷ ثور ۱۳۵۷ ش، کابینه برای بررسی بحران در کاخ ریاست جمهوری جلسه ای اضطراری برگزار کرد، اما سروصدای تیراندازی، انفجار گلوله های توپ و پرواز هواپیماهای جت در ارتفاع پایین جلسه کابینه را بر هم زد. بیشتر طول روز جنگ خیابانی در پایتخت در جریان بود اما سر شب نیروهای حزب دموکراتیک خلق کنترل بیشتر خیابان های کابل را در دست داشتند و خطوط برق و تلفن کاخ را قطع کرده بودند. نماینده ای از شورای نظامی انقلابی برای درخواست تسلیم داوود، نعیم و وزیرایش به داخل کاخ اعزام شد، اما این تقاضا رد شد. جنگی در گرفت و صبح هنگام همسران و فرزندان داوود و نعیم کشته یا به شدت زخمی شده بودند. وقتی داوود پیشنهاد دوم تسلیم را رد کرد، همراه با نعیم و چند تن از وزرایی که همچنان به او وفادار مانده بودند، زیر رگبار گلوله ها کشته شدند و بعداً جنازه هایشان در گوری بی نام و نشان دفن شد. در سال ۲۰۰۸ م جسد داوود همراه بقایای شانزده نفر از اعضای خانواده اش در یک گور دسته جمعی در بیرون زندان پل چرخی شناسایی شدند و برایشان مراسم تدفین رسمی برگزار شد (لی، ۲۰۱۸: ۵۹۴).

در ارتباط با نحوه‌ی کشته شدن خانواده داوود خان در آن زمان در منابع مختلف نظریات گوناگون ارائه شده است. برخی از منابع کشتار آن‌ها را به‌خصوص کشتار زنان و کودکان را به‌وسیله‌ی خود محمد داوود می‌دانند؛ اما عده‌ای دیگری از مردم می‌گویند که قضیه‌ی کشتن خانواده داوود توسط خودش صحت ندارد و افراد و فامیل محمد داوود و نزدیکان همراه او در جریان درگیری بین رئیس‌جمهور و کمونیست‌ها کشته شدن (غزنوی، ۱۳۹۸: ۴۳۸-۴۳۹).

نتیجه‌گیری

محمد داوود خان فرزند عبدالعزیز خان پسرعموی محمد ظاهر شاه طی کودتای چندساعته قدرت را به دست گرفت. درحالی‌که شاه در ایتالیا به سر می‌برد، بدین گونه حکومت چهل‌ساله او پایان یافت. محمد داوود خان توسط حمایه‌ی قاطعانه نخبگان سیاسی حزب خلق و پرچم افغانستان در سال ۱۳۵۲ ش، به قدرت رسید. این موضوع تعداد و قدرت افراد وابسته به ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم در حکومت تازه تأسیس را افزایش داد. از طرف دیگر، این کتلیستی بود که حکومت را در تقابل با عناصر سنتی، سلطنت‌طلب‌ها و اسلام‌گراها قرارداد. محمد داوود خان پس از تثبیت قدرت به خاطر مرفوع ساختن نیازمندی‌های مالی و بحران بدهی دولت افغانستان، از چپ به راست گرایش یافت و با قدرت تمام به حذف و سرکوب چپ‌گراها پرداخت. ازجمله پیامدهای سیاسی این تغییر سیاست به وقوع پیوستن کودتای سرخ در این کشور است که افغانستان را وارد یک عصر پر از فراز و نشیب نمود.

محمد داوود خان پارلمان را منحل، تمام گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، نشریات آزاد را تعطیل و لغو نمود، قانون اساسی را باطل اعلام کرد و با پرچمی‌ها همدست شده، سر صدای پشتونستان را دوباره بلند نمود. محمد هاشم خان میوندوال یکی از صدراعظم‌های دوران مشروطه را کشت، بقیه افراد روشنفکر و طرفداران شاه را زندانی نموده و زندان پل چرخی را بنا نهاد. به جان اسلام‌گراها افتاد و به دستگیری آنان پرداخت. اخوانی‌ها فراری شده خود را به پاکستان رسانیده ذوالفقار علی بوتو که درگیر جنگ سرد با محمد داوود خان بود، مقدم آن‌ها را گرامی داشته و استقبال نمود.

به‌طورکلی، در تاریخ معاصر افغانستان دوره‌ی پنج‌ساله‌ی جمهوری محمد داوود خان از نظر پیشرفت و ترقی کشور یکی از دوره‌های عقیم و کم ثمر به شمار می‌رود. با توجه به

واقعیت‌های تاریخی؛ می‌توانیم نظام شاهی را به مشروطه و جمهوری داوود خان را به نظام خودکامه تعبیر کنیم. در این دوره هیچ‌گونه دگرگونی مثبت در اوضاع کشور رخ نداده تا جلب توجه نماید. در بخش اقتصاد و انکشاف که بنیان‌گذار جمهوریت علاقه‌مندی ویژه به آن اظهار می‌داشت، آهنگ پیشرفت تدریجی قبلی بدون رکود اما بدون سرعت و جهش خاص ادامه یافت. در بخش سیاسی حرکت به سوی دموکراسی و سهم‌گیری اقشار بزرگ‌تر مردم در اداره کشور متوقف گردید و حکمرانی از مجرای قانون به حکمرانی توسط فرمان مبدل شد. این حقیقت نه‌تنها در چهار سال اول که دوره حکومت‌نظامی نامیده می‌شد صدق می‌کرد، بلکه پس از تصویب قانون اساسی سال ۱۹۷۷ م و پایان یافتن حکومت‌نظامی بازهم به قوت خود باقی ماند. با همه مشکلاتی که حکومت پنج‌ساله‌ی داوود خان داشت، ولی پلان‌های انکشافی او جهت گسترش شهرها در حکومت‌های بعدی افغانستان نکته قابل تأمل می‌باشد.

منابع

- پنجشیری، حبیب (۱۳۹۵). بررسی سیر تاریخی تعلیم و تربیه رسمی در افغانستان (طی سال‌های ۱۹۰۳ الی ۲۰۰۱ میلادی)، کابل: انتشارات سعید.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). افغانستان و حکومت آینده (مسائل احزاب سیاسی معاصر و مسائل ملی و فراملی)، تهران: مؤسسه فرهنگی راه فردای افغانستان.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). روش پژوهش در علوم انسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، موسی (۱۳۹۳). تاریخ مختصر و مصور افغانستان (آریانا کهن؛ خراسان دیروز؛ افغانستان امروز)، مؤسسه فرهنگی و انتشارات صبح امید.
- حکیمی، احمد منیب (۱۳۹۱). جریانات تاریخی افغانستان (از ظهور اسلام الی سقوط طالبان)، کابل و پیشاور: مؤسسه انتشارات الازهر.
- خالدی، نور احمد (۲۰۱۸). عواقب کودتای ۲۶ سرطان سال ۳۵۲. آریانا افغانستان آنلاین.
- سعادت، عوض علی (۱۳۹۶). تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر، کابل: انتشارات بنیاد اندیشه.
- سعیدی، احمد (۱۳۹۱). افغانستان آماجگاه فتنه‌ها و آسیب‌ها، کابل: مطبعه‌ی مسلکی افغان.
- طنین، ظاهر (۱۳۸۴). افغانستان در قرن بیستم (۱۹۰۰-۱۹۹۶)، تهران: محمدابراهیم شریعتی افغانستان.
- عابد، عبدالرحمن، (۱۳۹۴). مختصر زندگی‌نامه پادشاهان افغان، کابل: الطارق کتاب‌فروشی.
- عباسی، محمد عارف (۲۰۱۹). کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ (بگشودن درب جهنم به روی افغانستان!)، آریانا افغانستان آنلاین.
- غزنوی، ابوذر پیرزا ده (۱۳۸۹). تاریخ سیاسی افغانستان: کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و جمهوریت داوود خان، تهران: نشر احسان.
- فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۶۸). افغانستان در پنج قرن اخیر (جلد ۱)، الکزندریه-ایالات متحده امریکا.
- کاظم، عبدالله (۱۳۸۸). زندگی سیاسی شهید محمد داوود از آغاز تا انجام (۱۳۱۰-۱۳۵۷ ش)، کابل: مطبعه‌ی عازم.
- کمال، محمدناصر (۱۳۷۷). افغانستان سرزمین آریا، پیشاور: دانش کتابخانه، قصه‌خوانی.
- لی، جان‌اتان‌ال (۲۰۱۸). تاریخ افغانستان از (۱۲۶۰ م) تا کنون، لندن: انتشارات راکشن بوکس ال.تی.دی.

لطفی، زهرا (۲۰۱۴). حکومت محمد داوود خان در افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۷۳ م/ ۱۳۵۷-۱۳۵۲ ش) و سیاست ایران در قبال او در این دوره تاریخی، خراسان بزرگ: سال پنجم. شماره (۱۴). بهار ۱۳۹۲.

ویمر، راجردی و دومنیک، جوزف (۱۳۸۴). تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش

